

مشروح مذاکرات شورای فقهی

بانک مرکزی

یکصد و بیست و هشتمین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی

تابستان ۱۴۰۴



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران، بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.cbi.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شناسه گزارش: ۱۴۰۴۰۶/۹۶/۱۲۸/۱

عنوان گزارش: مشروح مذاکرات شورای فقهی بانک مرکزی*

یکصد و بیست و هشتمین جلسه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

واژگان کلیدی: شورای فقهی، بانکداری اسلامی، سند راهبردی، قانون بانک مرکزی، ایران.

تاریخ انتشار گزارش: تابستان ۱۴۰۴

* بر اساس بند «ر» ماده (۱۸) قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی موظف است مشروح مذاکرات و مصوبات شورای فقهی را بر پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار دهد و برای عموم منتشر نماید. بر این اساس، اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی اقدام به تهیه و تدوین این گزارش نموده است. لازم به ذکر است مصوبات شورای فقهی پس از ابلاغ توسط بانک مرکزی اجرایی می‌گردد.



استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)..... ۲

مشروح مذاکرات مرتبط با موضوع: جمع‌بندی نهایی در رابطه با «سند راهبردی استقرار بانکداری

اسلامی جمهوری اسلامی ایران»..... ۳

اسامی حاضرین جلسه: (نام و نام خانوادگی، پست سازمانی یا دستگاه مرتبط)^۱

۱. آیت الله غلامرضا مصباحی مقدم (ریاست شورای فقهی)
۲. آیت الله محمدسعید واعظی (عضو شورای فقهی)
۳. آیت الله علیرضا اسلامیان (عضو شورای فقهی)
۴. حجت الاسلام والمسلمین مجید رضایی دوانی (نایب رئیس شورای فقهی)
۵. آقای دکتر اصغر ابوالحسنی (قائم مقام بانک مرکزی و عضو محترم شورای فقهی)
۶. حجت الاسلام والمسلمین محمد باقری بنابی (نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو شورای فقهی)
۷. آقای دکتر محمود ابراهیمی (عضو شورای فقهی)
۸. آقای دکتر علی خورسندیان (عضو شورای فقهی)
۹. آقای دکتر عباس عرب‌مازار (عضو شورای فقهی)
۱۰. آقای دکتر محمدرضا حسینی‌پور (دستیار ویژه قائم مقام رئیس کل بانک مرکزی)
۱۱. آقای دکتر میرعمادی (مدیرکل نظارت غیراحتیاطی بانک مرکزی)
۱۲. آقای دکتر حسین میثمی (مدیر اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیر شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۳. آقای مهدی کاظمیان (معاون اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۴. آقای علی نظری (رئیس گروه اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۵. آقای محمدحسین شمشیری (رئیس دایره اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)
۱۶. خانم مریم نظام دوست (کارشناس اداره بررسی‌های بانکداری اسلامی و دبیرخانه شورای فقهی بانک مرکزی)

^۱ از اعضای محترم شورای فقهی بانک مرکزی آقایان آیت الله سعدی، دکتر محمدپور و دکتر افشار در این جلسه حضور نداشتند.

مشرح مذاکرات مرتبط با موضوع: جمع‌بندی نهایی در رابطه با «سند راهبردی استقرار بانکداری

اسلامی جمهوری اسلامی ایران»

تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید

میثمی: در خصوص سند راهبردی، همانطور که اطلاع دارید، نسخه اصلاح شده این سند اسفند ۱۴۰۳ در دستور کار قرار گرفت. مقرر شد، اعضای شورا طی یک ماه نظرات خود را اعلام کنند. همچنین، دو بار این موضوع در کارگروه قم بررسی شد و برخی نظرات در خصوص اصلاح سند در همان جلسات ارائه گردید. برخی نکات نیز توسط ناظرین شرعی به دبیرخانه منتقل شد و در متن سند اعمال گردید. نکات دیگری هم پس از انتشار عمومی پیش‌نویس سند به دبیرخانه منعکس شد که در متن سند مورد توجه قرار گرفت.

هم اکنون این سند در مرحله نهایی شدن قرار دارد. نکات مهمی که در آن اعمال شده، از جمله حذف ارجاعات درون‌متنی و مختصرسازی سند است که مورد تأکید آقای دکتر عرب مازار قرار داشت. ضمیمه‌ها را نیز جدا کردیم؛ به طوری که نسخه نهایی، ۱۴ صفحه است و جداول و جزئیات به ضمیمه منتقل شده‌اند.

در موضوع «بانکداری اسلامی بین‌المللی»، آقای اسلامیان چندین بار اصلاحاتی داشته‌اند و در کارگروه قم بنا شد در مواردی از عبارت «همگرا با بانکداری اسلامی بین‌المللی» استفاده کنیم.

مصباحی‌مقدم: با استفاده از تجارب کشورهای دیگر، آیا ما یک نگاه همگرایانه داریم یا خیر؟

رضایی: مفهوم همگرا در مقابل واگرا قرار می‌گیرد و فارغ از جزئیات دیگر، وقتی دو خط یا مسیر شروع به حرکت می‌کنند، اگر به آرامی از هم فاصله بگیرند، به آنها واگرا می‌گوییم؛ اما اگر به هم نزدیک شوند، همگرا نامیده می‌شوند، هر چند که به طور کامل یکی نمی‌شوند. نکته مهم این است که در این روند، مشترکات ما بیش از تفاوت‌ها خواهد بود.

میثمی: درباره عبارت «همگرا» که آقای دکتر رضایی اشاره کردند باید بگویم این عبارت دقیقاً مفهوم مدنظر ما را نمی‌رساند و برای ما حجیت حقوقی ندارد. موضوع این است که ما در کارهایمان نگاهی داریم به تجربه کشورهای اسلامی. اگر تصمیم جلسه این باشد، مشکلی نداریم که به جای عبارت «همگرا» در سراسر متن، از عبارت «با توجه به بانکداری اسلامی بین‌المللی» استفاده کنیم. عمده موارد اصلاحی جزئی بودند که همه آنها را اعمال کردیم. اکنون پیشنهاد ما این

است که یک مصوبه رسمی از شورای فقهی داشته باشیم که این سند خلاف شرع تشخیص داده نشده. سپس دبیرخانه سند را جهت طی تشریفات قانونی به رئیس کل بانک مرکزی ارسال خواهد کرد.

پیشنهاد ما همچنین این است که در همایش بانکداری اسلامی، این سند رونمایی شود و به عنوان سند بالادستی و راهبردی ۵ ساله بانک مرکزی در حوزه بانکداری اسلامی اعلام گردد. مشابه کاری که کشورهای مانند پاکستان، افغانستان، قطر، مالزی و اندونزی انجام داده‌اند. ما نیز از تجربیات این کشورها الگوبرداری کرده و بر اساس نیازهای خودمان، سند راهبردی را تدوین کرده‌ایم. به نظر ما این سند هیچ مطلب خلاف شرعی ندارد و می‌تواند مصوبه شورا را اخذ کند.

اسلامیان: اینجا عنوان «بانکداری اسلامی» است و باید توجه داشت که اگر مثلاً بخواهیم مانند «روانشناسی اسلامی» یا «اقتصاد اسلامی» نامگذاری کنیم، باید کل طرح از منابع کاملاً اسلامی (کتاب و سنت) استخراج شده باشد. بانکداری اسلامی وقتی اطلاق صحیح دارد که طرح بانکداری از همین منابع الهام گرفته باشد. من دو بار این سند را خوانده‌ام و بعضاً یادداشت‌هایی کرده‌ام؛ البته، تفاوتی بین این سند و مدل بانکداری «بدون ربا» نمی‌بینم.

مصباحی‌مقدم: بر اساس قانون بانک مرکزی، اصطلاح «بانکداری اسلامی» مورد تأکید قرار گرفته است. این واژه «اسلامی» وقتی به یک عنوان اضافه می‌شود، می‌تواند تحت برداشتها و معانی مختلفی قرار گیرد، به خصوص از منظر انتساب به اسلام. مثلاً وقتی می‌گوییم «فلسفه اسلامی»، آیا واقعاً فلسفه‌ای است که مستقیماً متخذ از کتاب و سنت باشد؟ صراحتاً می‌توان گفت خیر. مباحث مطرح شده در فلسفه اسلامی صرفاً متخذ از کتاب و سنت نیست. همچنین، بحث «اقتصاد اسلامی» مورد توجه شهید صدر (رضوان الله علیه) بوده که کتاب «اقتصادنا» را نوشته و آن را به عنوان «مکتب اقتصاد اسلامی» مطرح کرده است. بنابراین، در اصطلاحات و حوزه‌های مختلف، نحوه انتساب یک رشته یا دانش به اسلام متفاوت است. بنابراین، ما باید دقت کنیم که وقتی از «بانکداری اسلامی» صحبت می‌کنیم، معنای دقیق این اصطلاح و میزان ارتباط و تطابق آن با منابع اصیل اسلامی (کتاب و سنت) روشن و توجیه شده باشد تا این اصطلاح صرفاً عنوانی ظاهری نداشته باشد.

مصباحی‌مقدم: جایگاه شورای فقهی بر اساس ماده ۱۸ قانون بانک مرکزی به عنوان یکی از ارکان این بانک در نظر گرفته می‌شود.

رضایی: این موضوع در ادبیات بانکی کشور طی سال‌های اخیر شکل گرفته است. ابتدا منظور از الگوی «بانکداری بدون ربا» این بود که هیچ یک از معاملات، عقود و قراردادهای ربوی نباشند. سپس مطرح شد که حتی اگر قراردادها ظالمانه نباشند، ممکن است عدالت کامل در آن وجود نداشته باشد؛ البته عدم وجود عدالت الزاما به معنی ایجاد شبهه ربا نیست.

با گذشت زمان مطرح شد که اگر قرار است نظام بانکی ما واقعاً «اسلامی» باشد، باید قوانین، مقررات، قراردادها، عدالت، اخلاق و اهداف اسلامی را کاملاً رعایت کند و همه این‌ها در چهارچوب نظام اسلامی باشد. وقتی همه این شرایط فراهم شود، به آن «بانکداری اسلامی» گفته می‌شود. اصطلاح بانکداری اسلامی، حداقل در ۱۰ سال اخیر در کشور رایج بوده و در نهایت در مجلس شورای اسلامی مطرح شد و شورای نگهبان آن را تأیید کرد. لذا در متن قانون بانک مرکزی هفت مرتبه از عبارت بانکداری اسلامی استفاده شده است.

باید توجه داشت که هرگز نمی‌توانیم بگوییم که بانکداری ما مستقیماً و دقیقاً از دل احادیث استخراج شده است؛ زیرا کلمه «بانک» در احادیث وجود ندارد و این یک موضوع جدید و مستحدث است.

مصباحی‌مقدم: این درست است که اگر بخواهیم «بانک اسلامی» داشته باشیم، باید همه مسائل آن کاملاً از کتاب و سنت استخراج شده باشد، اما تحقق چنین چیزی عملاً غیرممکن است. واقعیت این است که ممکن نیست تمام اجزای یک بانک به طور کامل به نحو متخذ و مستند از کتاب و سنت باشد. بنابراین، بر اساس قانون بانک مرکزی حرکت می‌کنیم که در آن عنوان «بانکداری اسلامی» مطرح شده است.

مصباحی‌مقدم: ما حدود ۴۰ سال پیش قانون «عملیات بانکی بدون ربا» را داشتیم که در سال ۱۳۶۲ تصویب و از ۱۳۶۳ اجرایی شد. اما در سال ۱۴۰۲ قانون جدید بانک مرکزی تصویب گردید و خرداد ۱۴۰۳ ابلاغ و به مرحله اجرا رسید. بر اساس این قانون جدید، ما می‌خواهیم گامی فراتر از بانکداری بدون ربا برداریم. این گام جدید که به آن «بانکداری اسلامی» گفته می‌شود، مطابق تعریف قانونی «الگوی خاصی از بانکداری است که عملیات و خدمات بانکی در چهارچوب اهداف نظام اسلامی و سازگار با شریعت و موازین اسلامی تنظیم می‌گردد». جایگاه قانونی و مشروعیت فعالیت شورای فقهی بر پایه همین قانون بانک مرکزی است. پس بر اساس این تکلیف قانونی، ما در سند راهبردی، به دنبال اجرای بانکداری اسلامی هستیم.

ابوالحسنی: یک سوال برایم مطرح شده، در جلسه اول درخواست کردیم که این سند جهت دریافت نظرات عمومی نیز منتشر شود. آیا بازخوردهایی دریافت شده است؟

میثمی: همین ماه، پیش‌نویس سند را در تارنمای بانک مرکزی منتشر کردیم و ۲۵ مورد بازخورد دریافت شد که همه آنها اعمال گردیدند.

ابوالحسنی: بازخوردهایی که از سند دریافت کردیم، خوب است که مطرح شود تا دیدگاه عمومی کشور درباره این موضوع روشن‌تر شود. ما در دوره دکتری اقتصاد اسلامی که درس می‌دهیم، با چالشی اساسی روبرو هستیم؛ اینکه آیا واقعاً داریم «اقتصاد اسلامی» آموزش می‌دهیم؟ یعنی اقتصادی که واقعاً محصول اسلام بوده و متصف به صفت اسلامی است؟ یا اینکه این اصطلاح صرفاً ترکیبی اضافی است؟ یعنی به اقتصاد متعارف صرفاً عنوان «اسلامی» اضافه کرده‌ایم.

اگر بگوییم «اقتصاد اسلام» یا «نظام اقتصادی اسلام» یا حتی «مکتب اقتصاد اسلامی»، باید مسیر مشخصی را طی کنیم تا بتوانیم دقیقاً بگوییم این همان اقتصاد اسلام است. به نظرم تحقق چنین اقتصادی بسیار دشوار است؛ در ۴۰ سال گذشته چنین تجربه‌ای اتفاق نیفتاده و شاید در ۴۰ سال آینده به طور کامل شکل نگیرد. بانکداری اسلامی هم بخشی از همین تصویر بزرگتر است؛ یعنی اگر (اقتصاد اسلامی) را به معنای واقعی بخواهیم بشناسیم، بانکداری اسلامی بخشی از آن خواهد بود. برداشت من این است که در عمل چنین اقتصادی که کاملاً اسلامی باشد، محقق نشده است.

در حال حاضر ما برای این که خودمان را از این ابهام رها کنیم، می‌گوییم منظور ما از اقتصاد، اقتصادی است که هم در ایران و هم در سطح جهان وجود دارد؛ یعنی زندگی مردم اعم از مسلمان یا غیرمسلمان با آن اداره می‌شود. البته برخی اصول کلی نیز وجود دارد که هیچ فرقی نمی‌کند که فرد مسلمان باشد یا غیرمسلمان. به عبارت دیگر، وقتی این اصول را کنار هم می‌گذاریم، اصطلاحاً آن را با مسامحه «اقتصاد اسلامی» می‌نامیم.

بخش‌هایی از این شاخه‌ها با فقه اسلامی سازگاری ندارد و آنها را کنار می‌گذاریم، اما بخش‌هایی که سازگار است را قبول کرده و رعایت می‌کنیم. بنابراین، عملاً اقتصاد اسلامی ترکیبی از اقتصاد متعارف و برخی موازین اسلامی می‌باشد که به صورت گزینشی گرفته شده‌اند. برای مثال در اقتصادسنجی، اقتصاد ریاضی و بسیاری فرمول‌ها در اقتصاد خرد و کلان، هیچ تفاوتی بین مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد؛ بنابراین نمی‌توانیم این بخش‌ها را کنار بگذاریم.

از طرفی وقتی بحث بانکداری می‌شود، به مفاهیمی مثل «ربا» توجه جدی داریم. از منظر اسلامی، مهم نیست عدد سود چقدر باشد، بلکه مهم ماهیت شکل‌گیری سود است که باید بر اساس عقود اسلامی ایجاد شود. مثلاً برخی سپرده‌ها ممکن است سود ندهند، ولی ماهیتشان به دلیل انتقال مالکیت، ربوی تلقی می‌شود؛ چرا که این نوع سپرده‌ها در واقع قرض همراه با

زیاده خواهد بود. ما چنین مواردی را در بانکداری اسلامی نمی‌پذیریم و آنها را کنار می‌گذاریم، مثلاً می‌گوییم قرض الحسنه بدون سود تا شبهات شرعی برطرف شود. این موارد توسط فقه‌های شورای نگهبان تایید شده است، اما ایشان نیز معتقدند که عبارت بانکداری اسلامی در قانون بانک مرکزی، به نوعی فضای بررسی و اقدامات بعدی را ایجاد می‌کند.

چون در پیش‌نویس سند راهبردی از عبارت «الگو» استفاده شده، خیال ما تا حدودی راحت است که این سند قرار نیست یک نسخه کامل و نهایی از (بانکداری اسلامی) ارائه دهد بلکه مسیری تدریجی جهت استقرار بانکداری اسلامی در افقی ۵ ساله ارائه می‌دهد. روش‌شناسی سند بر اساس تحلیل SWOT و فهرست نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها قابل قبول است، اما مهمترین بخش یعنی چشم‌انداز و بیانیه مأموریت سند دقیق به نظر نمی‌رسد. مثلاً چشم‌انداز سند در نسخه فعلی عبارت است از اینکه: (جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب شریعت به جایگاه اول بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی برسد)؛ این یک علامت سؤال بزرگ است، چون ماهیتاً در چشم‌انداز باید روشن شود که مراد از اسلامی بودن چیست و چه جایگاهی مدنظر است؟

مأموریت سند نیز باید توضیح دهد که چه اقدامات و رسالتی برای رسیدن به این چشم‌انداز باید انجام شود. اکنون در بیانیه مأموریت، صرفاً افزایش کمی و کیفی محصولات و تعداد بانک‌ها مطرح شده است. بنابراین، پیشنهاد من این است که در جلسات کارشناسی و سیاست‌گذاری از نظرات تخصصی استفاده کنیم و ابتدا چشم‌انداز و مأموریت سند را دقیق‌تر و شفاف‌تر تعریف کنیم، چون بقیه بخش‌ها قابل اصلاح و تکمیل است.

در بخش حاکمیت شرکتی نیز باید بگوییم که بیش از ده سال است شعار آن داده شده و در بانک‌ها عملی گردیده، اما بنده به کارآمدی و تطابق آن با مبانی اسلامی شک دارم. مثلاً تفکیک مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره و حضور اعضای مستقل در هیئت مدیره، لزوماً به معنای اسلامی‌تر شدن نظام بانکداری نیست. البته قبول دارم که مدیریت ریسک برای حرفه‌ای شدن لازم است، ولی برخی اصول حرفه‌ای و قواعدی که در سند آمده ممکن است سند را بیش از حد پیچیده کند و ممکن است توسط برخی کارشناسان مورد نقد قرار گیرد.

پس پیشنهاد می‌کنم ابتدا روی دو بخش چشم‌انداز و مأموریت کار کنیم تا اگر قرار است سند رونمایی شود، بانک مرکزی بتواند به طور واضح و قاطع بگوید که قصد دارد به کجا برسد و چگونه با این بیانیه مأموریت آن هدف محقق می‌شود. در نهایت اگر این دو بخش اصلاح شود، مابقی نقاط سند نیز قابل مرور و دقیق‌تر شدن است.

مصباحی مقدم: اگر بخواهیم بگوییم «انطباق با شریعت» یعنی صرفاً تمام قوانین باید مستقیماً برگرفته از کتاب و سنت باشد، یعنی فقه کامل به قانون تبدیل شود؛ ولی ما امروز با مسائلی مواجه هستیم که جنبه عرفی و عقلایی دارند و مستقیماً از شریعت نیستند؛ با این حال مجلس آنها را تصویب می‌کند و به ما می‌رسد. شورای نگهبان نیز آنها را از منظر مغایرت با شرع و قانون اساسی تایید می‌کند. در صنعت بانکداری هم لازم است رویکرد شورای فقهی «عدم مغایرت» باشد و نه «عدم انطباق». زیرا اگر بخواهیم فقط چیزهایی که عیناً از شریعت آمده را بپذیریم، بسیاری از قوانین کاربردی مثل قانون مالیات‌ها، قانون راهنمایی و رانندگی و موارد مشابه، دیگر قابل قبول نخواهند بود. بنابراین جمع‌بندی ارائه شده در قانون اساسی آن است که هر آنچه مجلس تصویب می‌کند، چه برگرفته از شریعت باشد و چه ناشی از عرف و عقل، به شرطی که خلاف شرع نباشد مورد تایید است. بنابراین، هر قانونی که خلاف شریعت تشخیص داده شود، قابل پذیرش نیست و آنچه خلاف شرع تشخیص داده نشود، می‌تواند مبنا قرار گیرد.

امروز قانون بانک مرکزی نیز بر همین مبنا طراحی شده است. در متن قانون، واژه «بانکداری اسلامی» آمده و بانک مرکزی مکلف شده که بانکداری اسلامی را اجرا کند. تعریف بانکداری اسلامی در متن قانون به این صورت است: «بانکداری اسلامی الگوی خاصی از بانکداری است که در آن عملیات و خدمات بانکی در چهارچوب اهداف نظام اسلامی و سازگار با شریعت و موازین اسلامی تنظیم می‌شود». نکته کلیدی در این تعریف، واژه «سازگار» است؛ یعنی نه الزاماً و عیناً منطبق با شریعت، بلکه صرفاً عدم مغایرت با شرع. پس این تعریف در قانون پذیرفته شده است و نباید روی این کلمات و واژه‌ها مناقشه کنیم. این چهارچوب قانونی مبنای فعالیت بانک مرکزی و شورای فقهی است.

اسلامیان: ما نگران این هستیم. چرا که آقای دکتر میثمی درخواست کرده‌اند که سند رونمایی شود و حتی در سازمان‌های بین‌المللی مطرح شود و اعلام کنیم که بانکداری اسلامی ما خلاف شرع تشخیص داده نشده است. اما توجیهاتی که گفته شده نشان می‌دهد در حقیقت این بانکداری اسلامی لزوماً برگرفته از اسلام نیست و خود شما هم قبول دارید که نمی‌توانیم آن را عیناً مستخرج از تعالیم اسلام بدانیم. بنابراین، چرا باید روی استفاده از لفظ «بانکداری اسلامی» اصرار کنیم، وقتی این لفظ ممکن است سوءبرداشت‌های زیادی ایجاد کند؟

مصباحی مقدم: آیا شورای فقهی می‌تواند تعریف بانکداری اسلامی که در قانون آمده را تغییر دهد؟

اسلامیان: برای تغییر قوانین، مسیر قانونی مشخصی وجود دارد.

مصباحی مقدم: به هر حال، قانون اساسی قابل تغییر نیست و در این قانون رویکرد فقهی عدم مغایرت است و این پایه و اساس شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی است. وظیفه شورای فقهی، این است که همین کلمات و عبارات را در چهارچوب موجود تبیین کند.

رضایی: آیا این بحث تعریف (تبیین و شرح اصطلاح بانکداری اسلامی) در این ساختار سند لحاظ می‌شود؟ به عبارتی، آیا می‌خواهید این مفهوم را به صورت رسمی در متن سند تعریف و روشن کنید؟

مصباحی مقدم: بین بانکداری بدون ربا و آنچه در مرحله بالاتر یعنی بانکداری اسلامی پیگیری می‌کنیم تفاوت بنیادین وجود دارد. به نظر می‌رسد، بانکداری اسلامی که در قانون بانک مرکزی مطرح شده، حداقل نیازمند پنج ویژگی کلیدی است:

- ۱- اولاً باید خلاف شرع نباشد
 - ۲- ثانیاً عدالت باید اساس کار باشد؛
 - ۳- ثالثاً باید ارتباط واقعی بین بخش پولی و بخش واقعی اقتصاد برقرار شود، یعنی تحولات پولی بازتابی از اقتصاد واقعی باشد؛
 - ۴- رابعاً نظارت شرعی بر تدوین مقررات و اجرای آن ضروری است؛
 - ۵- در نهایت، باید خلاف اخلاق نباشد و یک وظیفه اجتماعی را پیگیری کند (یک تکلیف اجتماعی، مثلاً وجود قرض‌الحسنه و تخصیص بخشی از منافع به نیازمندان و تلاش برای رفع فقر در جامعه).
- در قانون عملیات بانکی بدون ربا، این اهداف و ویژگی‌ها به این جامعیت دیده نشده است. اگر بخواهیم این پنج ویژگی را معیار قرار دهیم و احتمالاً بتوان بر آنها افزود، این همان گام پیشرفت است که اکنون با عنوان «بانکداری اسلامی» شناخته می‌شود. البته ما نامی برای آن نگذاشته‌ایم و صرفاً قانون بانک مرکزی چنین تعبیری دارد.

اما درباره نکات مطرح‌شده توسط دکتر ابوالحسنی که خواستند دو بخش (چشم‌انداز و مأموریت سند) بازنگری شود، پیشنهاد می‌کنیم نظرات ایشان، سایر همکاران بانک مرکزی، رئیس کل بانک مرکزی، اعضای هیئت عامل، معاونت حقوقی و معاونت نظارت به دقت دریافت و توسط دبیرخانه بررسی شود. پس از جمع‌بندی این پیشنهادها، نسخه نهایی سند تدوین و ارائه گردد.

رضایی: اصل چهارم قانون اساسی بیان می‌کند که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره باید بر اساس موازین اسلامی باشند. این اصل به صورت عام و اطلاقی بر تمام قوانین و مقررات حاکم است و تشخیص انطباق آن با شرع، بر عهده شورای نگهبان است. این اصل منافای سایر قوانین نیست، بلکه عمومیت و اطلاق آن سبب می‌شود همه قوانین منطبق بر اسلام باشند، مگر جایی که شورای نگهبان به صورت خاص تشخیص دهد مصوبه‌ای خارج از چهارچوب شرع است. بنابراین، همانطور که اشاره کردید، نمی‌توان بخشی از قوانین کشور را خلاف اسلام تلقی کرد؛ کافی است مغایرت با شرع وجود نداشته باشد تا پذیرفته شود. این موضوع بارها توسط شورای نگهبان تأکید شده است.

ابراهیمی: بحث رابطه علم و دین، به ویژه اسلام، موضوع پیچیده‌ای است که سال‌ها درباره آن بحث شده است. کتاب‌های خوبی نیز در این زمینه نوشته شده‌اند، از جمله اینکه آیا اسلام صرفاً مساوی فقه و شریعت است یا فراتر از آن؟ در قانون اساسی ایران، اصل (۴) به صراحت تأکید می‌کند که قوانین باید منطبق بر موازین اسلامی باشند که شامل اخلاق، نظام فکری و نظام معرفت‌شناسی اسلام نیز می‌شود. وظیفه شورای نگهبان بررسی عدم مغایرت قوانین و مقررات با احکام اسلامی است. در واقع، وقتی صحبت از انطباق با موازین اسلامی می‌شود، یعنی کل اسلام با معرفت‌شناسی، اخلاق و تفکر اسلامی مورد توجه است.

یکی از نکات حقوقی مهم، تفاوت میان عبارات «انطباق با موازین» و «عدم مغایرت با احکام» است. در قانون بانک مرکزی، در بخش تعاریف، تعریف «بانکداری اسلامی» بر اساس «انطباق با موازین اسلامی» بیان شده که از نظر حقوقی محل اشکال است، زیرا معیار قانون اساسی در بررسی قوانین «عدم مغایرت با احکام فقه» می‌باشد. فقه مورد نظر در جمهوری اسلامی، فقه جعفری اثنی عشری است و این باید به عنوان ملاک عمل پذیرفته شود. اگرچه قانون بانک مرکزی احتمالاً توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده، اما با تعبیر ذکر شده در قانون اساسی تفاوت دارد. بنابراین، در شورای فقهی باید بررسی شود که آیا می‌خواهیم تعریف مبتنی بر «انطباق با موازین» را بپذیریم یا تعریف صحیح بر اساس «عدم مغایرت با احکام» که قانون اساسی و شورای نگهبان ملاک قرار داده‌اند.

مصباحی‌مقدم: عنوان «بانکداری اسلامی» که در قانون آمده، با رویکرد «عدم مغایرت با موازین اسلامی» تصویب شده و شورای نگهبان نیز همین تعبیر را تأیید کرده است. به نظر بنده، مقصود قانون‌گذار این بوده که گامی فراتر برداریم و به جای بازگشت و بسنده کردن به قانون سال ۱۳۶۲ که فقط حذف ربا را هدف گرفته بود، به سمت تحقق ارزش‌ها و موازین

اسلامی در سطح وسیع تر و عمیق تر حرکت کنیم. این رویکرد ظرفیت آن را دارد که به صورت مرحله‌ای و تدریجی طی چند دهه از بانکداری بدون ربا به سمت الگوی ایده‌آل حرکت کند. بنده معتقدم عنوان «بانکداری اسلامی» که در متن قانون بانک مرکزی آمده عنوان درستی است و ما این عبارت را خلق نکرده‌ایم؛ این عبارت توسط مجلس تصویب گردید، توسط شورای نگهبان تأیید شد و توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به اجرا گذاشته شد. بنابراین، این مفهوم قانونی و فقهی، مفهومی معقول و منطقی است که باید به صورت رسمی ابلاغ و تبلیغ شود و از دستور کار شورا خارج شده است؛ یعنی باید آن را به عنوان قانون بپذیریم و در مسیر اجرای آن گام برداریم.

با توجه به نگرانی موجود، باید تأکید کرد وقتی عبارت «سند راهبردی بانکداری اسلامی» به کار می‌رود، این موضوع اهمیت زیادی پیدا می‌کند. اگر این سند را یک بانک مستقل منتشر می‌کرد، موضوع حساسیت زیادی نداشت، اما بانک مرکزی که منتشر می‌کند، قطعاً توجه جامعه بین‌المللی و نهادهای مرتبط به آن معطوف می‌شود و قطعاً این سند را بررسی می‌کنند. حال که نام «سند» را برای آن انتخاب کرده‌ایم و بالاتر از یک مصوبه فقهی صرف می‌باشد، لازم است تعاریف ابتدای سند دقیق و صحیح باشند، به خصوص تعاریف مبتنی بر قانون بانک مرکزی. لزومی ندارد دوباره در مقدمه تعریف جدیدی بیاوریم یا اصطلاحات را تغییر دهیم، بلکه باید مطابق تعاریف قانونی جلو برویم و آنها را به درستی منعکس کنیم.

ابوالحسنی: یکی از مسائل حیاتی، بحث چشم‌انداز (ویژن) و مأموریت این سند است که باید جدی گرفته شود. وقتی چشم‌انداز را مطرح می‌کنیم، باید فرض کنیم که به دنبال هدفی برای ۱۰، ۲۰ یا ۵۰ سال آینده هستیم. یعنی با نگاه به آینده بنویسیم که در آن زمان دقیقاً می‌خواهیم به کجا برسیم و چه شرایطی داشته باشیم. این نوع نگاه متفاوت است با صرف تحلیل روند گذشته و ارائه پیش‌بینی در رابطه با آینده. به عبارت دیگر، باید برای آینده هدف‌گذاری کنیم و طبق آن مأموریت‌ها و وظایف کلان نظام بانکداری اسلامی را مشخص نماییم که این وظایف باید در افق زمانی بلندمدت تحقق یابند. نکته دیگر اینکه آقای دکتر میثمی حتماً باید این چشم‌انداز و برنامه را طی نامه‌ای رسمی برای اعضای هیئت عامل ارسال کند و این موضوع در مراحل اجرا بازنگری شود تا در آینده جهت‌گیری‌ها و سیاست‌ها دچار ابهام نگردد. اگر این اقدام صورت نگیرد، در مرحله اجرا مشکلات و اشکالات به وجود می‌آید. بنابراین، پیشنهاد می‌کنم پیش‌نویس اولیه چشم‌انداز و مأموریت از طرف دبیرخانه هیئت عامل بانک مرکزی جهت اظهار نظر تخصصی ارسال گردد.

همچنین، باید توجه داشت که اجرای بانکداری اسلامی فقط وظیفه بانک مرکزی نیست و باید کل نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران به آن پایبند باشد. در برنامه‌ریزی راهبردی بانک مرکزی هم باید این دید کلان به کل بانک‌ها منتقل شود تا یک چشم‌انداز جامع و عملیاتی شکل بگیرد. اگر لازم باشد، می‌توانیم چند جلسه تخصصی برگزار کنیم و این موضوعات را بحث و بررسی نماییم تا متن نهایی چشم‌انداز و مأموریت سند بانکداری اسلامی کاملاً شفاف و کاربردی گردد. در نهایت، درباره ورود بانک‌های خارجی هم باید توجه داشت که مطابق مقررات کشور مقصد عمل می‌کنند و ممکن است سود پرداخت کنند.

مصباحی‌مقدم: یک نکته مهم که حضرت آقای اسلامیان باید مدنظر قرار دهند این است که واژه «بانکداری اسلامی» سال‌ها پیش توسط کشورهای مختلف جهان اسلام مطرح و استفاده شده است. حتی بانک‌های بین‌المللی و مؤسسات بزرگی هستند که «بانکداری اسلامی» را به عنوان یک مدل کسب‌وکار پذیرفته و به کار می‌برند. یعنی این مفهوم در سطح جهانی جا افتاده است. لذا، نباید دچار تردید شویم یا واژه «بانکداری اسلامی» را به کار نبریم، زیرا دیگران سال‌ها پیش این راه را رفته‌اند و اگر ما عقب بمانیم، جایگاه علمی و عملی خود را در فضای بانکداری اسلامی جهانی از دست می‌دهیم. بنابراین، نگرانی از این بابت نداشته باشید که دیگران اصل این واژه را قبول نکنند. این مفهوم پیش از انقلاب نیز توسط کشورهای زیادی در جهان اسلام و غیر جهان اسلام مطرح و پذیرفته شده است و تاکنون هیچ مناقشه جدی نسبت به کاربرد آن وجود نداشته است.

اسلامیان: آیت الله جوادی آملی تأکید می‌فرمایند که عقل «سراج» است نه «صراط»؛ یعنی به وسیله عقل نمی‌توانیم احکام الهی روز را به دست آوریم یا کشف کنیم. اصول دین و احکام شرعی از راه عقل به تنهایی قابل استخراج نیستند.

مصباحی‌مقدم: ما تعبیر «علوم اسلامی» و «علم اسلامی» را به کار می‌بریم، زیرا علم اسلامی یعنی علمی که واجد احکام اسلامی باشد. البته علم به معنای کلی کلمه چیز دیگری است و کاملاً مستقل از این تعبیر است.

میثمی: می‌توان بحث را به این صورت جمع‌بندی کرد که نسخه اصلاح‌شده سند بانکداری اسلامی از طرف دبیرخانه به اعضای هیئت عامل جهت اظهار نظر و جمع‌بندی ارسال شود.